

## مطالعه وضعیت فرهنگی دشت رامهرمز در دوران پیش از تاریخ بر اساس داده های سفالی موجود از تپه سرتولی

حسن درخشی<sup>۱</sup> محسن ممینی<sup>۲</sup>

۱ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، استادیار گروه باستان شناسی، شوشتر، ایران

۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

[derakhshi.hassan@gmail.com](mailto:derakhshi.hassan@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۸

چکیده:

بررسی باستان شناسی اخیر دشت رامهرمز در سال ۱۳۸۵ ه.ش دگرباره شواهد مربوط به فرهنگ شوشان جدید ۱ (LS1) و شوشان جدید ۲ (LS2) را نمایان نمود. طبق داده های سفالی بدست آمده از تپه سرتولی که به روش مقایسه ای و بر اساس متغیرهای فرم و تزیین با سفال های هم عصر چه در دشت فارس و چه در دشت شوشان صورت گرفت نشان داد که از نظر سبکی و تکنیکی صرفنظر از نوع بومی بین سفال های سرتولی با فرهنگ باکون الف از یک طرف و با محوطه های دشت شوشان از طرف دیگر شباهتهایی وجود دارد که می تواند نشانگر ارتباطات فرهنگی دشت رامهرمز با مناطق مرتفع و همچنین دشت شوشان باشد. بعبارتی دشت رامهرمز و محوطه های آن با مرکزیت تل گسر محل تلاقی بین فرهنگهای مناطق مذکور بوده است. این مقاله ضمن بررسی و مطالعه محوطه سرتولی بر مبنای داده های سفالی به تحلیل روابط فرهنگی آن با مناطق همجوار پرداخته است.

واژگان کلیدی: دشت رامهرمز، تپه سرتولی، شوشان جدید ۱ (LS 1)، شوشان جدید ۲ (LS 2).

## مقدمه

از محوطه های اقماری جهت روشن نمودن این ارتباطات ضرورت دارد که در این مقاله به آن پرداخته می شود.

### موقعیت جغرافیایی و ویژگی های زیست محیطی دشت رامهرمز

رامهرمز در ۹۵ کیلومتری شرق اهواز قرار گرفته و منسوب به هرمز ساسانی است. شهرستان رامهرمز در شرق استان خوزستان واقع شده؛ از شمال به باغملک، ایذه و مسجد سلیمان، از شرق به بهبهان، استان کهگیلویه و بویر احمد، از غرب به اهواز، و از جنوب به بندر ماهشهر محدود است. این دشت نزدیکترین منطقه در شرق خوزستان است که آن را با مناطق کوهستانی زاگرس مرتبط می سازد. موقعیت خود همین دشت نشان می دهد که تحول آن بر اثر ارتباط فرهنگی و اقتصادی با دشت شوشان از یک طرف و با مراکز جمعیتی زاگرس، به ویژه منطقه ی معروف به انشان در فارس از طرف دیگر بوده است. این دشت، همچنین همراه با دشت های میان کوهی مجاور آن، یعنی بهبهان و زهره، بخشی از راه ارتباطی و منطقه ی حائل فرهنگی بین کوهستان و دشت های پست خوزستان را نیز تشکیل می دهد و در عین حال وسیع ترین منطقه ی قابل کشت در جنوب شرقی خوزستان است ولی با این همه وجود املاح معدنی، به ویژه گچ، در آب این دشت ها هرچند امکان کشاورزی در آنها را به مراتب از سایر مناطق خوزستان کمتر کرده است، اما بخش های بزرگی از این دشت ها مراتع مناسبی دارد و برای

در باستان شناسی استفاده از سفال به عنوان مدرک باستان شناختی و تعیین نوع فرهنگ و دوره های موجود در محل های مورد نظر، به طور گسترده استفاده می شود. این پژوهش، به بررسی و مطالعه سفالهای تپه سرتولی در دشت رامهرمز پرداخته و هدف مشخص نمودن نفوذ و ارتباط دشت رامهرمز با مراکز فرهنگی بزرگ همچون شوشان و تل باکون در دشت فارس می باشد. بررسی ها و کاوشهای های باستان شناختی تاکنون استقرار انسان در دشت رامهرمز را حداقل تا هزاره ششم پیش از میلاد مشخص نموده است. در اواخر این هزاره ما شاهد نفوذ و تاثیر مناطق مرتفع در دشت شوشان هستیم، و این ارتباط بویژه در سفالهای معروف به نقوش نقطه ای کاملاً مشهود است، حال نقطه تلاقی این ارتباط فرهنگی در این هزاره با توجه به فاصله ی زیاد بین فارس و دشت شوشان باید در مناطقی بین این دو منطقه دیده شود و دشت رامهرمز یکی از نقاط کلیدی این برخورد و ارتباط بوده و تل گسر به عنوان یک محوطه مکان مرکزی نقشی اساسی در این ارتباط بین دشت های پست خوزستان با فلات مرتفع ایران به ویژه فارس داشته است (نیاکان و عزیزاده، ۱۳۸۶). در کل دشت رامهرمز با اقلیمی بسیار مناسب همراه با زمین های حاصلخیز جهت استقرار تنها منطقه ای بوده که می توانسته ارتباط آسان و سریع را فراهم نماید. از این رو بررسی وضعیت فرهنگی این منطقه بخصوص در این هزاره و بعد براساس بررسی محوطه های منطقه بویژه یکی

## شاخصه های سفال شوشان جدید ۱ (LS1)

رایج ترین نقش مایه های تزئینی، نقطه هایی است که معمولاً در ردیف های افقی و با به کارگیری عناصر توپر نقش شده و نقش مایه ی نقطه ای نامیده می شود. این نقطه ها معمولاً همراه با طرح های ساده ی هندسی و نقش مایه ی مسبک حیوانات ظاهر می شوند. ترکیب های مختلف این عناصر معمولاً روی کاسه هایی با زاویه تند در پایین کف و دیواره های قوسدار، ظاهر می شود. این نقش ها بر ظروف استوانه ای با کف تخت نیز ظاهر می شوند. کاسه هایی مزین به نوارهای متعدد و بدون نقطه نیز وجود دارد. یک شکل گونه نما و جدید دیگر، لیوان مخروطی شکل با نقش هندسی ساده و پایه ی حلقوی تراشیده شده است. شکل های شاخص دیگر شامل کاسه هایی مزین به نقش نوار افقی روی لبه اند، طرح داخلی معمولاً شامل سه ردیف نوار پهن است که از اطراف لبه و به صورت مورب منشأ می گیرد فاصله ها عموماً با خطوط مورب و مواج پر می شوند، اما نمونه های بدون نقش هم مشاهده شده اند. نمونه های مشابهی نیز در فاز MS3 شناسایی شده اند یک نمونه از این شکل از لایه 3m-n جعفرآباد شناسایی شده است (Dollfus 1975, fig. 49:9) کاسه هایی مزین با یک سری دایره های هم مرکز که نشانگر ساعت یا دیسک خورشیدی اند نیز در این فاز دیده می شود. این کاسه ها در فرخ آباد و بند بال وجود ندارد اما در قبر شیخین رایج بوده اند، (Weiss 1976, Fig 20:110-111). یک شکل رایج دیگر، که ظاهراً در

استفاده کوچ نشینان ایده آل است (نیاکان و عزیزاده، ۱۳۸۶، ۳۹۷). در این میان رودخانه ها مهمترین نقش را در ایجاد و پیشرفت جوامع پیش از تاریخ داشته اند و رودخانه های دشت رامهرمز نیز به ویژه رودخانه ی اعلا با بستری وسیع نمایانگر پرآبی و نقش حیاتی خود در گذشته های دور در همین دشت را به خوبی نشان می دهد.

## سرتلی و شواهد سفالی آن

محوطه باستانی تپه سرتولی در ۵ کیلومتری جنوب شرقی رامهرمز در پیرامون دشتی گرم و خشک واقع شده است (تصویر ۳ و ۲-۱) وسعت تپه در حدود ۲۶۰×۱۶۵×۵ متر می باشد و رودخانه فصلی صندلی (اعلا) از غرب آن می گذرد (نیاکان و عزیزاده، ۱۳۸۶، ص ۴۰۵). این محوطه به دلیل ساخت و سازهای اخیر در پیرامون آن رو به تخریب بوده و نیازمند توجه مسئولین می باشد.

در زمینه داده های سفالی تپه مذکور، قریب به ۹۰ درصد آن طی بررسی های انجام شده در سال ۱۳۸۵ و قبل از آن مربوط به دوره ی شوشان جدید ۱ (LS1) می باشند و قسمتی نیز مربوط به دوره ی شوشان جدید ۲ (LS2) هستند (تصاویر ۶ و ۵-۴). قبل از توصیف و تحلیل سفالهای محوطه مذکور ابتدا نگاهی مختصر به ویژگی سفالهای شاخص دوره های شوشان جدید ۱ (LS1) و شوشان جدید ۲ (LS2) می پردازیم:

اشاره به برخی مشخصه های موجود در مجموعه های سفالی این فاز عبارتند از لیوان های بلند، کاسه های باز با نقوش پیچیده در داخل، کاسه های نیمکره ی باز مزین به نقش عقاب با بالهای گسترده و پیکرک پرنده های بسیار کوچک مسبک سفالی را تشکیل می دهند (علیزاده، ۱۳۸۲، ۵۲).

### بررسی و تطبیق سفالهای شاخص تپه سرتلی

بعد از توصیف کلی اکنون بر اساس جدول تطبیقی سفال های سرتلی را از نظر فرم، شکل و تزیین با سایر محوطه های پیرامون و فرامطقه ای مورد مطالعه و تطبیق قرار می دهیم تا بر این مبنا بتوان هم زمان سنجی نسبی محوطه و هم به وجود ارتباط فرهنگی بین این محوطه و محوطه های دیگر در مناطق همجوار و ماورا آن پی برد که پیشینه چنین رویکردی را به صورت منسجم می توان نخستین بار در مطالعات تطبیقی مک کان در گاهنگاری ایران اشاره نمود (Mc Cown, 1942).

در جدول تطبیقی (۱)، سفال های شاخص تپه سرتلی که از بررسی سطحی ۱۳۸۵ بدست آمده انتخاب شده است تا بر اساس شباهت های سبکی و تکنیکی سفال های محوطه مذکور با محوطه های همزمان در منطقه و ورای آن مورد تطبیق قرار داد تا بر مبنای آن بتوان مطرح کرد که آیا سفالها دارای منشاء سبکی یکسانی بوده اند و یا اینکه این تطبیق روابط عمیق و گسترده فرهنگی با منطقه ای خاص را می رساند.

دهلران وجود ندارد، اما در دشت شوشان و کوه های زاگرس (Vandenberge 1975; Contenau & Ghirshman 1935 Giyan Vc Weiss) دیده شده کاسه هایی با دیواره های قوسدار و مقعر است (Dollfus. 1983b, Fig. 18: 71:881:15). نمونه ی دیگر معمولاً در نزدیک کف زاویه ی تندی دارد، دو نوار باریک برای جدا کردن نقش مایه ی مرکزی از نوار های لبه و کف به کار گرفته شده است. محدوده ی بین نوارها با نقش پوشیده شده، نوارهای مورب روبروی هم و مثلث های متساوی الاضلاع با نوارها در برگرفته شده اند، این نوارها با هاشور تزیین شده اند. در انواع متنوع این نوع یک نقش میانی به شکل مثبت اجرا شده است. این نمونه در چغامیش و جعفرآباد وجود ندارد اما به دلیل اینکه در لایه های ۱۶ و ۱۷ بندبال پدیدار شده احتمالاً در اواخر فاز MS3 شروع شده و بعداً در فاز LS1 عمومی و رایج شده است. نمونه های مشابه و اشکال متنوع این نوع در تل باکون (Egami & Masuda 1962, Fig., 15:13.17:8) و (Egami & Sono 1962, Fig. 14:7, 17:10 P1.21) تپه سیلک (Ghirshman 1938, P1, 81:14) B و تپه گیان (Contenau & Ghirshman 1935, P1:48) مشاهده شده است.



### شاخصه های سفال شوشان جدید ۲ (LS 2)

مجموعه سفال این دوره بسیار خوب شناخته شده و در مورد آن بحث های جزئی نگر بسیار توسط پژوهشگران مختلف مطرح شده است (Dollfus 1971, Le Breton 1957; Le Brun 1971). تنها

جدول ۱) تطبیق سفال‌های شاخص سرتولی از منظر فرم و تزیین

منبع مقایسه	موارد مقایسه		نوع شباهت	شکل طرح (نمونه از سرتولی)	ردیف
	دوره / طبقه / لایه / فاز	نام محوطه			
Weiss 1976, Fig, 13:12.  Egami & Sono 1962, Fig. 16:9. Dittmann, Reinhard, 1984, Fig 39:11.  مقدم، عباس، ۱۳۸۶، صفحه ۵۴، شکل ۴:۲۸.	LS1	قبر شیخین تل گپ تل زهره تل ابوچیزان	تزیین		۱
Dittmann, Reinhard, 1984, Fig 46:6.	LS1	تل زهره	تزیین <sup>۱</sup>		۲
Alizadeh, 2003, plate 26: c.  مقدم، عباس، ۱۳۸۶، صفحه ۵۴، شکل ۴:۴. Weiss 1976, Fig, 27:237.  علیزاده، عباس، ۱۳۸۷، صفحه ۱۱۴ شکل ۲۰.	LS1	چغابنوت  تل ابوچیزان قبر شیخین قبرستان هکلان و پرچینه	تزیین (پروانه)		۳

۱ - این نقش ظاهراً سگی است که با نقش منفی در کنار یک بز یا گوسفند ظاهر شده است به جز مدارک تل گپ، هیچ اساس لایه نگاری برای منسوب کردن این قطعات به فاز LS1 وجود ندارد، به هر صورت به دلیل اینکه به نظر می‌رسد این فاز از لحاظ هنری دوره تجربه‌ی شکل‌ها، نقش‌مایه‌ها و ترکیب‌های جدید است، با تردید می‌توان این نقش را به دوره‌ی LS1 منسوب کرد (علیزاده، ۱۳۸۲).

<p>Weiss 1976, Fig. 15:57. Wright 1981, Fig. 17:d. Egami &amp; Sono 1962, Fig. 20:12.  Dittmann, Reinhard, 1984, Fig 26:1.</p>	<p>LS1</p>	<p>قبر شیخین فرخ آباد تل گپ تل زهره</p>	<p>تزیین<sup>۲</sup> (نقوش نقطه ای)</p>		<p>۴</p>
<p>مقدم، عباس، ۱۳۸۶، صفحه ۵۴، شکل ۴: ۲-۳- ۳۰-۲۶ امیری، مصیب، ۱۳۸۴، صفحه ۲۶۳، شکل ۲-۵۰.  Weiss 1976, Fig. 21:128.</p>	<p>LS1</p>	<p>تل ابوچیزان تل گپ  قبر شیخین</p>	<p>تزیین</p>		<p>۵</p>
<p>Weiss 1976, Fig. 14:21. Egami &amp; Sono 1962, Fig. 16:9, Dittmann, Reinhard, 1984, Fig 29:11.</p>	<p>LS1</p>	<p>قبر شیخین تل گپ تل زهره</p>	<p>فرم</p>		<p>۶</p>
<p>Weiss 1976, Fig. 22:139. مقدم، عباس، ۱۳۸۶، صفحه ۵۴، شکل ۴: ۱۰-۱۱  Dittmann, Reinhard, 1984, 63:73.</p>	<p>LS1</p>	<p>قبر شیخین تل ابوچیزان تل زهره</p>	<p>فرم</p>		<p>۷</p>
<p>Canal 1978, Fig. 25:4. مقدم، عباس، ۱۳۸۶، صفحه ۵۴، شکل ۴: ۵ علیزاده، عباس، ۱۳۸۳، صفحه ۲۹۹، شکل ۳. Dittmann, Reinhard, 1984, Fig 4:14.</p>	<p>LS2</p>	<p>تپه شوش تل ابوچیزان تل باکون الف تل زهره</p>	<p>فرم</p>		<p>۸</p>

<sup>۲</sup> - در مقایسه نقوش نقطه ای تنها توجه به سفال های دارای تزیین نقطه شده و اگر این نقطه ها درون کادر یا با نقش دیگری همراه شده است در مقایسه خلدشه ای وارد نمی کند.

مقدم، عباس، ۱۳۸۲، صفحه ۶۷ شکل ۱: ۳.	LS1	تپه رگیوه الف	فرم		۹
Weiss 1976, Fig. 13:19	LS1	قبر شیخین	فرم		۱۰
Weiss 1976, Fig. 18:87	LS1	قبر شیخین	فرم		۱۱
مقدم، عباس، ۱۳۸۲، صفحه ۷۰ شکل ۲۰: ۳. Langsdorff & McCown, 1942, pl 2:2	LS2	تپه رگیوه الف تل باکون الف	تزیین		۱۲
مقدم، عباس، ۱۳۸۲، صفحه ۶۹ شکل ۴: ۲.	LS1	تپه رگیوه الف	تزیین		۱۳

فرهنگ شوشان جدید ۱ هست که نه تنها در دشت رامهرمز بلکه در سراسر خطه دشت شوشان، فارس، زاگرس مرکزی و حتی تا فلات مرکزی پراکنده هستند.

به طور کلی در تپه سرتلی داده های سفالی مربوط به فرهنگ شوشان جدید ۲ نسبت به دوره ی قبل (LS1) بسیار کمتر می باشد و در جدول تطبیقی نیز نمونه ها کمتر می باشد که در عین حال می توان نتیجه گرفت که این امر نشانگر جابجایی و کاهش جمعیت در فاز ۲ شوشان جدید در دشت رامهرمز و محوطه مذکور را می رساند. از طرف دیگر اگر به جدول تطبیقی نگاه کنیم مشاهده می کنیم که سفالهای شاخص تپه سرتلی نمودار سبک گسترده

**نتیجه:**

دوره شوشان جدید ۱ دوران ارتباط گسترده و بی نظیر بین مناطق پست و بلند مطرح است. این ارتباط بین دشت شوشان و فارس در یک نگاه کلی از طریق دشت رامهرمز قابل بررسی می باشد، مهمترین دلیل این مطلب قرار گرفتن دشت رامهرمز در یک کریدور طبیعی میان دشت شوشان با نواحی فارس می باشد (شکل - ۱). اما در خود دشت رامهرمز غیر از محوطه مکان مرکزی تل گسر، محوطه های دیگری همچون تپه سرتولی نیز موید این است بر اینکه دشت بینابینی رامهرمز واسط اصلی برقراری ارتباط بین دشت شوشان و دشت فارس بویژه در اواخر هزاره ششم و اوایل هزاره پنجم قبل از میلاد بوده است. این ارتباط را مشابهت سفال های این مناطق در دوره ی یاد شده نشان می دهد و اینکه بعضی انواع جدید سفال در فاز LS1 از سرزمین های بلند مخصوصاً فارس به خوزستان وارد شده است. استفاده از نقطه ها در نقش مایه ها و ترتیب های خاص که در مجموعه سفال های LS1 رایج ترند، در دوره ی باکون B2 (Egami & Masuda 1962, Fig. 14:3-4, 15:9) زمانی که مجموعه سفال ها برای نخستین بار به شاخص های MS3 نزدیک می شوند، شروع می شود (علیزاده، ۱۳۸۳). نقش مایه ی نقطه ای در فاز گپ و باکون A ادامه می یابد (Langsdorff & McCown 1942, Pls.54:15, 62:6-7, 64:5, 70:3, 5-6, 15 & 71:3, 10; Egami & sono 1962, Fig. 17:6-11) و نشان می دهد که این نقش مایه ها احتمالاً زودتر در فارس آغاز شده و نسبت به شوشان مدت طولانی تری تداوم داشته اند. این نقش

مایه ها در پس کرانه های شوشان از جمله بهبهان (Dittmann 1984, Fig. 24:8-21, 25:1, 6-9) و لرستان « تپه گیان » (Contenau & Ghirshman 1935, Giyan Vc Pls. 49-51)، حتی تا فلات مرکزی دیده می شوند که نشانگر توزیع جغرافیایی گسترده ی آن است.

**تشکر و قدردانی:**

از آقای لقمان احمدزاده شوهانی به خاطر در اختیار گذاشتن برخی از داده های سفالی تشکر و قدردانی می شود.

**منابع و مأخذ:**

- امیری، مسیب، علیزاده، عباس، ۱۳۸۲، الگوهای استقرار و فرهنگ های پیش از تاریخی دشت شوشان، ترجمه: لیلا پاپلی یزدی، عمران گاراژیان، پژوهشکده ی باستان شناسی - معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.

- نیاکان، لیلی و عباس علیزاده، ۱۳۸۶، گزارش مقدماتی بررسی مشترک باستان شناختی - زیست محیطی پژوهشکده باستان شناسی، به کوشش حسن نشلی فاضلی، مجموعه مقاله های نهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران، صفحات ۴۱۶-۳۹۵، تهران، انتشارات سمت،

- یوسفی، حسین، ۱۳۸۶، تاریخ پنج هزار ساله رامهرمز، قم، انتشارات سبک



Behbahan-Zuhreh surveys. Berliner Beitrage zum Vorder Orient. Band 3 . Dietrich Reimer. Berlin.

-Dollfus, Genevieve, 1971, Les fouilles a Djaffarabad de 1969 a 1971. Cahiers de la delegation archaeologist.

-\_\_\_\_\_1983, Remarques Sur L organization de L Espace dans quelques Agglomerations de la Susiane de Ve Millenaire., The Hilly Flanks and Beyond: Essay on The Prehistory of Southwestern Asia. Presented to Robert J. Braidwood. November 15. 1982., Studies in Ancient Oriental Civilization No. 36, The Oriental Institute of the University of Chicago, Chicago pp. 283-313.

-Egami, Namio and Masuda, Seiich, 1962, Mrav Dasht 1: The Excavations at Tall-I bakun 1956. The Yamakawa Publishing C., LTD. Tokyo.

-Ghirshman, Roman, 1938, Fouilles de Sialk, Pres de Kashan, 1933, 1934, 1937. Vol. 1. Librairie Orientatiste Paul Geuthner. Paris.

Wright, H. T. and Elizabeth Carter, 1969, Archaeological survey on the western Ram Hormuz plains. Yeki Bud, Yeki Nabud, Essay on The Archaeology of IRAN in Honor of William M. Sumner, Edited by Naomi F. Miller and Kamyar Abdi, published The University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology, 2003, pp: 61-82

-Johnson, Gregory A. 1987, The Changing Organization of Uruk Administration on the Susiana Plain. In Frank Hole, ed. The Archaeology of Western Iran: Settlement and Society from prehistory to the Islamic Conquest. Smithsonian Series In archaeological Inquiry: 107-140. Smithsonian Institutio Press. Washington, D.C.

-Kantor, Helene J. 1976, the prehistoric Cultures of Chogha Mish and Bone fazili. Sixth International Symposium On the Iranian Art and Archaeology 1976:177-193. Iranian Center for Archaeological Research. Tehran.

-\_\_\_\_\_ 1977, Excavation at Chogha Mish and Chogha Banut. Annual Report 1978-79:33-39. The Oriental Institute . Chicago.

-Langsdorff, Alexander and McCown, Donald E., 1942, Tall, I Bakun A: Season of 1932. Oriental Institute Publications 54. The University of Chicago press, Chicago.

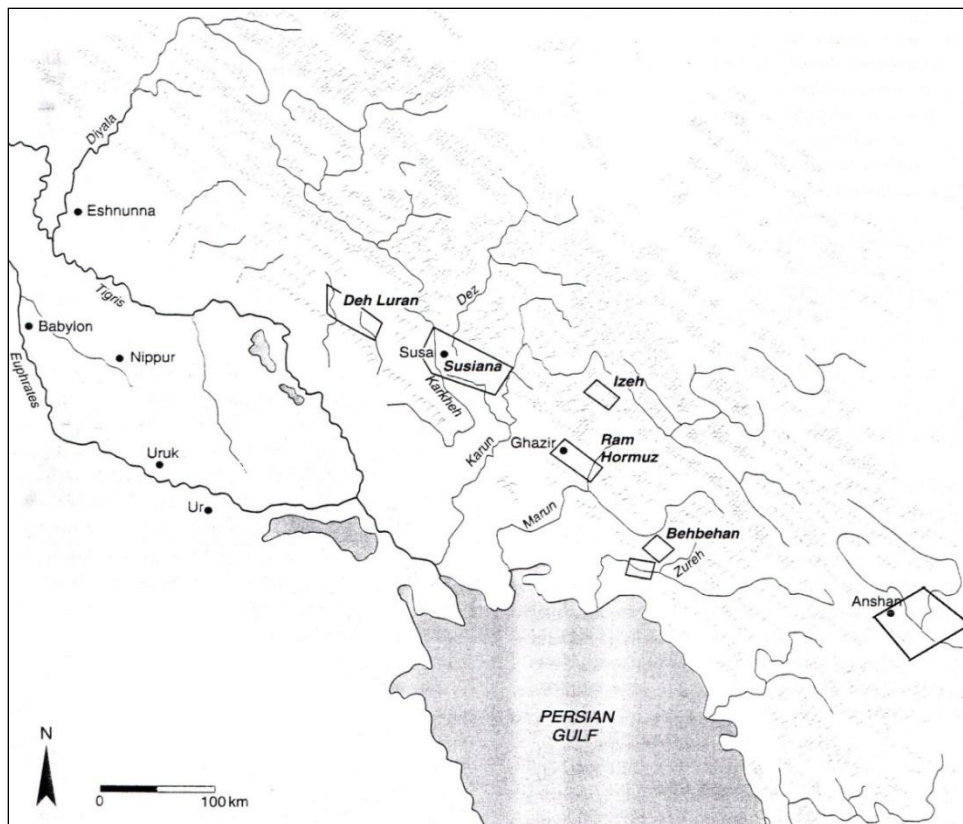
-Le Breton, Louis, 1957, The Early Periods of Susa: Mesopotamian Relations. Iraq 19:79-124.

-Le Brun, Alain, 1971, Recherche stratigraphiques a I, Acropole DE Suse (1969-1971). Cahiers de la Delegation archaeologique fraçaise en Iran 1:163-214.

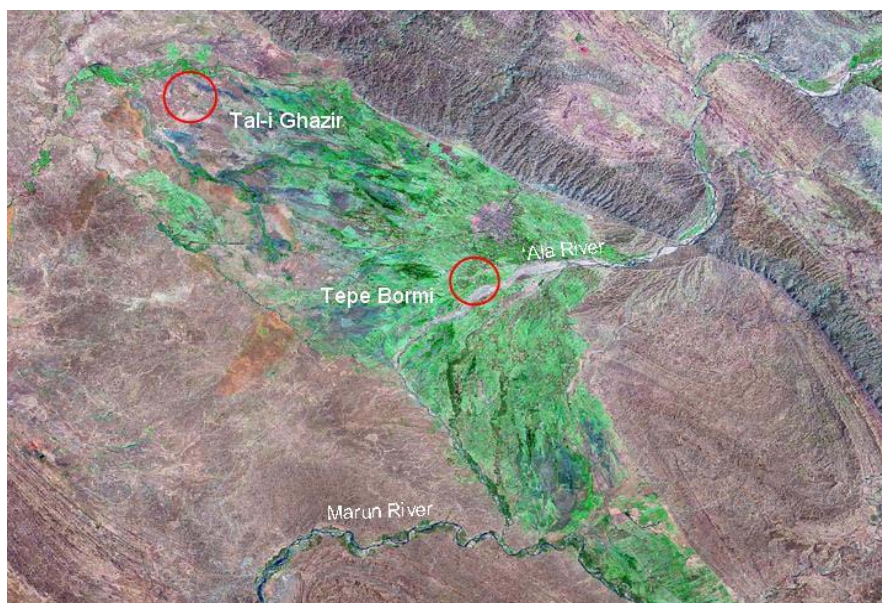
-McCown, Donald E., 1942, The Comparative Stratigraphy of Early Iran. University of Chicago press, 1942

-Vanden Berghe, Louis, 1975, Luristan: La necropole de Dum-gar-parchinah, IX campagne (1973). Archeologia 79:46-61.

-Weiss, Harvey, 1976, Ceramics for Chronology: Discriminant and Cluster Analysis of Fifth Millennium Ceramic Assemblages from Qabr Sheykheyn, Khuzestan. Doctoral thesis Published by University Microfilms International. Ann Arbor



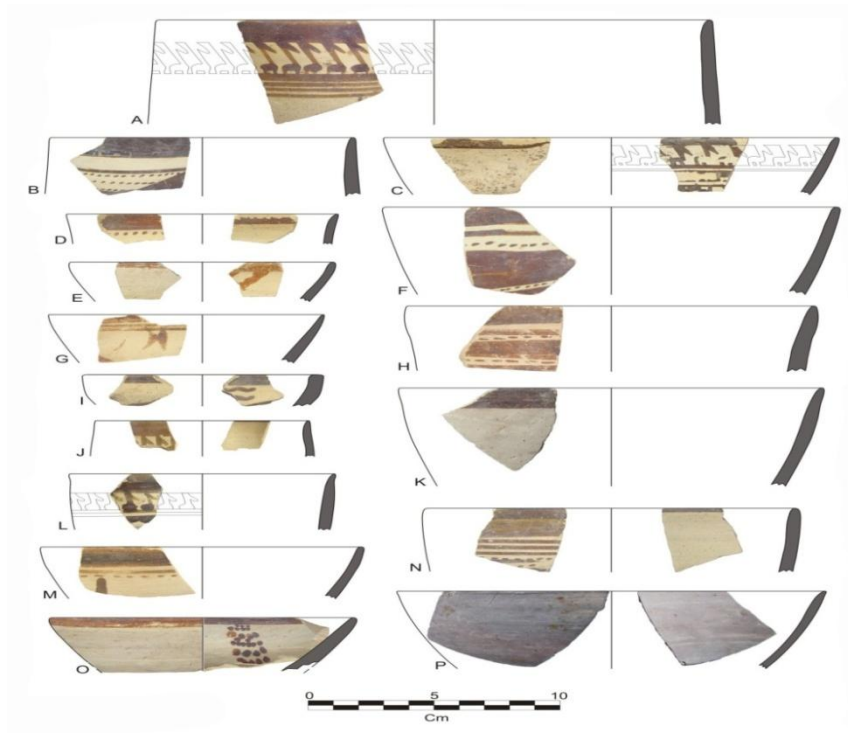
تصویر- ۱) موقعیت دشت رامهرمز میان دشت فارس و دشت شوشان  
(Henry T. Wright and Elizabeth Carter, 1969, 60)



تصویر- ۲) وضعیت عبور رودخانه اعلا و مارون از دشت رامهرمز،  
(تصویر ماهواره ای، Nasa Satellite)

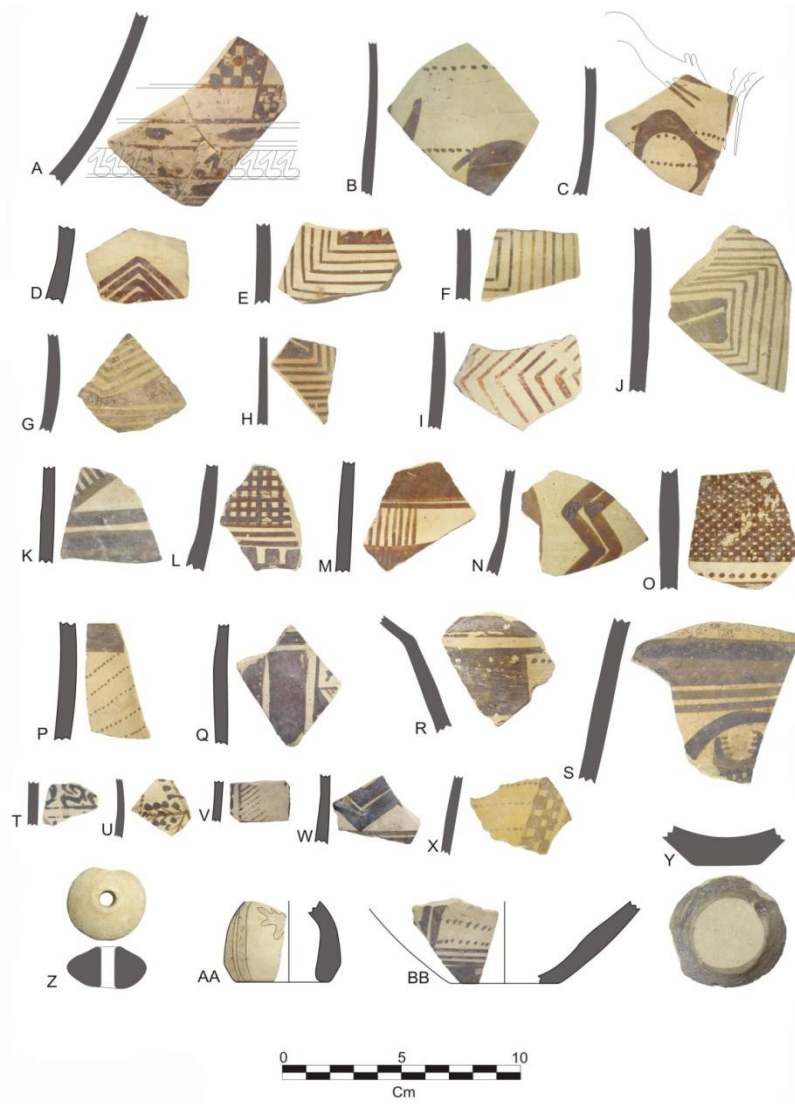


تصویر- ۳) تپه سرتلی، دید از جنوب، (احمد زاده شوهانی، ۱۳۸۵)

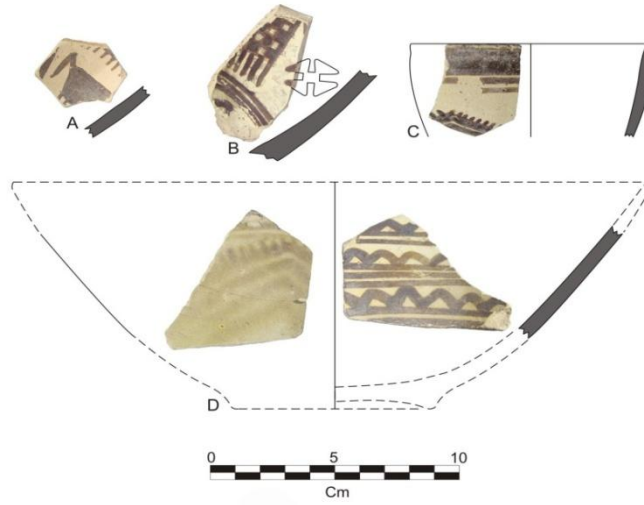


تصویر- ۴) تصاویر سفالهای شاخص تپه سرتولی (LS1)





تصویر - ۵) تصاویر سفال های شاخص تپه سرتولی (LS1)



تصویر ۶) تصاویر سفال‌های شاخص تپه سرتولی (LS2)